معرفی کتاب: جوامع مسلمان در اروپای جدید

حسن شاه بیگ

از آنجا که وضعیت و نقش جوامع مسلمان در اروپا تا زمان حال مورد توجه واقع نشده است، و در مورد اروپای شرقی مطالعه قابل توجهی صورت نگرفته است، این مطالعه قابل توجه و مهم با توجه به نیازی که در این زمینه دیده می شود، در صدد بررسی سرنوشت این جوامع در اروپای فعلی می باشد.

سؤالاتی که در این زمینه با اهمیت جلوه می کند، از قرار زیر است: چه تناسبی می تواند میان وضعیت مسلمانان در اروپای غربی (عمدتا مهاجرین) و اروپای شرقی (عمدتا بومی) وجود داشته باشد؟ این وضعیت در مورد کشورهای مهاجرپذیر جدید - اسکاندیناوی، اسپانیا و ایتالیا - به چه نحوی است؟ عوامل اقتصادی چه اهمیتی دارند؟ نقش روابط بین الملل در این زمینه چه می باشد؟ این عوامل یا دیگر عوامل ممکن به چه نحوی بر افکار عمومی تاثیر می گذارند؟

این کتاب در صدد پاسخ به این سؤالات، چه در قالب مقاله و چه اختصاص بخشهای عمده کتاب به بررسی وضعیت مسلمانان در کشورهای اروپای غربی و شرقی به طور جداگانه، توسط نویسندگانی از شرق و غرب می باشد. این کتاب آخرین تولید از پروژه ای است که از طرف شورای اروپا حمایت شده و توسط دانشگاههای دورهام،اکستر ،لانکاستر،و اسکوپیه سازماندهی شده است.

این کتاب توسط دکتر جرد نونمن(مدرس روابط بین الملل در دانشگاه لانکاستر)، پروفسور تیم نیبلاک (مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه و اسلامی در دانشگاه دورهام)، و دکتر بوگدان ساچکوفسکی (استاد علم سیاست در دانشگاه اکستر) ویرایش شده است.

کتاب متشکل از سه بخش می باشد و در قالب این سه بخش، شانزده فصل گنجانده شده است. در بخش اول کتاب تحت عنوان «موضوعات و سؤالات » مقاله دکتر جرد نونمن تحت عنوان «جوامع مسلمان در اروپای جدید: موضوعات و پیچیدگیها» آورده شده است. بخش دوم کتاب تحت عنوان «اروپای شرقی » به وضعیت کلی اسلام و قومیت در اروپای شرقی، وضعیت حقوقی این اقلیت در جمهوری مقدونیه، وضعیت مسلمانان بوسنی، بلغارستان، آلبانی و یونان در قالب هفت فصل می پردازد. در بخش سوم کتاب تحت عنوان «اروپای غربی » به وضعیت مسلمانان در انگلستان، بلژیک و هلند، فرانسه، آلمان، سوئد، دانمارک، اسپانیا، و ایتالیا در قالب هشت فصل پرداخته شده است.

بخش اول کتاب که اختصاص به طرح موضوع دارد و به صورت مقاله ای توسط جرد نونمن نوشته شده است، بر پنج قسمت تقسیم شده است; در قسمت اول به بررسی وضعیت اروپای جدید و جایگاه مسلمانان در آن اشاره شده است. در قسمت بعدی به وضعیت مسلمانان در اروپای غربی پرداخته و در آن، بعد از ارائه دیدگاه مختصری در خصوص چالش اسلام با سکولاریسم غرب، به مشکل تحلیل فرهنگی که مسلمانان با آن مواجه هستند، پرداخته شده است. در قسمت سوم، وضعیت مسلمانان در اروپای شرقی در زمینه تاریخی و وضعیتی که این کشورها بعد از فروپاشی کمونیسم و آزادی دین در آنها پیدا کردند، به بحث گذاشته شده است. در انتها به دیدگاههای جامعه اروپایی در گذشته، حال و آینده، نسبت به مسلمانان پرداخته شده است.

فصل دوم این کتاب تحت عنوان «اسلام و قومیت در اروپای شرقی » که توسط بوگدان ساچکوفسکی ،تیم نیبلاک و جرد نونمن به رشته تحریر درآمده، به بحث در مورد مفاهیم قومیت و عامل دینی، مشکلاتی که در زمینه ارائه آمار دقیق جوامع مسلمان در اروپای شرقی وجود دارد، بررسی وضعیت اقلیت مسلمان در لهستان به عنوان تطبیقی در این مورد و در انتها ارائه نتیجه و آماری از وضعیت مسلمانان در اروپای شرقی پرداخته شده است.

در فصل سوم تحت عنوان «شهروندی، وضعیت اجتماعی، و مشارکت سیاسی اقلیتها جمهوری مقدونیه به عنوان دلیلی بر این قضیه » نوشته رابرت دبلومیکی به بررسی وضعیت مسلمانان در یوگسلاوی سابق می پردازد. در این منطقه با وجود چالشها که خود مردم در مورد مشارکت سیاسی و استقلال خود دارند، وضعیت مسلمانان در قالب این حس بررسی شده است و از آن میان به وضعیت مقدونیه، فدراسیون یوگسلاوی سابق، و آلبانی پرداخته شده است.

فصل چهارم تحت عنوان «مسلمانان، دولت و جامعه در جمهوری مقدونیه، نظری از داخل » نوشته میرجانا ناجسوسکا، امیلیجا سیموسکا و ناتاشاگابر به ساختارهای قانونی، نهادینه و اساسی جامعه مقدونیه از دیدگاه جامعه مدنی پرداخته و از آن میان به وضعیت مسلمانان در این خصوص اشاره شده و به تحلیل برآوردی که از افکار عمومی در سال 1993 در مورد فاصله ملی و دینی مسلمانان و ارتدوکس ها به عمل آمده بود، پرداخته شده است.

الکساندر لوپاسیک در مقاله ای تحت عنوان. «مسلمانان بوسنی » فصل پنجم این کتاب را به خود اختصاص داده است. مسلمانان بوسنی جایگاه مهمی در میان مسلمانان اروپای شرقی را دارند. بنابراین نویسنده با ذکر مقدمه ای تاریخی از ورود مسلمانان به این منطقه، وضعیت مسلمانان بوسنی بعد از جنگ دوم جهانی، بوسنی بعد از مرگ تیتو و رفراندومی که در سال 1992 برای استقلال انجام گرفت، در صدد تشریح وضعیت مسلمانان بوسنی برآمده است.

«مسلمانان بلغارستان » عنوان فصل ششم این کتاب است که توسط ایوان ایلشف و دونکان پری به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان این مقاله ضمن بررسی زمینه تاریخی ورود ترکها به بلغارستان، تصور آنها از این منطقه و جنبشی که برای بدست آوردن حقوق و آزادی توسط آنها به انجام رسید، بررسی وضعیت قبطی های بلغارستان (روما)، بررسی وضعیت مسلمانان بلغارستان (پوماکها)، و روند اسلامی کردن بلغارستان، در صدد تشریح گذشته، حال و آینده مسلمانان در این کشور برمی آید.

فصل هفتم این کتاب تحت عنوان «مسلمانان آلبانی، حقوق بشر و روابط با جهان اسلام » نوشته الیراسلا با مقدمه ای در مورد وضعیت کلی مسلمانان آلبانی شروع شده و به بررسی موقعیت قانونی مسلمانان آلبانی، واقعیتهای اجتماعی - دینی در این جامعه، مقاومت عمومی که از طرف آنها در جهت توسعه سیاسی به عمل آمد و روابط آنها با جهان اسلام می پردازد.

یورگوس کریستیدیس در مقاله ای تحت عنوان. «اقلیت مسلمان در یونان » با بررسی وضعیت اقلیت مسلمان در یونان فصل هشتم این کتاب را به خود اختصاص داده و سعی در تشریح وضعیت و موقعیت مسلمانان در این کشور دارد. در این فصل مطالبی در مورد زمینه تاریخی ورود مسلمانان به این کشور، مجادله آنها در مورد از بین بردن تبعیض اعمال شده علیه اقلیتهای این کشور در زمینه حقوق شهروندی، تحصیلات و ...، بررسی پرونده دستگیری احمد صدیق و ابراهیم شریف (از نمایندگان ترکهای مسلمان در پارلمان) به دلیل پخش شایعات و امضاهای جعلی و ترس یونانیها از مداخله ترکها آورده شده است.

از فصل نهم کتاب به بعد به بررسی وضعیت مسلمانان در اروپای غربی پرداخته شده است. فصل نهم کتاب تحت عنوان «مسلمانان، دولت، و حوزه عمومی در بریتانیا» نوشته استیون ورتوک به بررسی وضعیت مسلمانان بریتانیا و حوزه عمومی بریتانیایی (برنامه هایی که در جهت عمومی کردن فضای گفتمانهای جمعی و برتری که از طرف اخبار و رسانه های گروهی پخش می شوند، نتایجی از فعالیت جنبشهای اجتماعی مختلف بدست می آید، بحثهای میان احزاب سیاسی، مطالعات و مباحثات دانشگاهی، و سیاستهایی که از طرف دولت یا بنگاههای خدماتی به انجام می رسد)، ملاحظات ساختاری سیاسی (از قبیل: شهروندی و حق رای، ارائه نمایندگان ملی، ارائه نمایندگان محلی، منابع مالی عمومی)، تبعیض های اعمال شده و تطابقی که مسلمانان با محیط پیدا کرده اند، ارائه چارچوبهای ترقی برای مسلمانان بریتانیا می پردازد.

«اسلام در بلژیک و هلند» عنوان فصل دهم کتاب، نوشته فلیس داستو و جرد نونمن به بحث راجع به مسلمانان بلژیک و هلند می پردازد. نویسندگان این مقاله با بررسی جمعیت مسلمانان که اصالتا در این دو کشور مسلمان می باشند به موضوعات ذیل می پردازند: چرخه اسلام: مراحل توسعه اسلام در بلژیک و هلند; چه کسی مسلمان است؟ (سؤالی در مورد تعیین نسب مسلمانان) و اینکه مشاهدات عموم، انکارهای بر زبان رانده یا در دل گذارنده وجود هستی و خداوند و روح و یا بی تفاوتی نسبت به این قضایا چه مدرکی در مورد تعیین نسب به ما ارائه می دهد، تعیین نسب از طریق فرمهای سازماندهی شده عضویت در جمعیت مسلمانان، تعیین نسب از طریق اجداد مبلغ یا جنگجو، تعیین نسب های ریشه ای; بررسی حضور سازمان یافته اسلام در بلژیک و هلند در قالب اسلام پایه، جنبشها و اجتماعاتی که در سر تا سر اسلام واقع در بلژیک و هلند گسترده است، و سازمانهایی که در صدد قرار دادن اسلام این دو کشور در یک چارچوب ملی - سرزمینی هستند.

فصل یازدهم کتاب تحت عنوان «جوامع مسلمان در فرانسه » نوشته جیم هاوس به بررسی وضعیت مسلمانان فرانسه می پردازد. در ابتدا بحثی راجع به چارچوبهای تجزیه و تحلیل وضعیت مسلمانان در فرانسه پرداخته، سپس بحث نژادگرایی جدیدی که بر فرانسه حاکم شده است و جایگاه مسلمانان در آن، حقوق اجتماعی آنها و چگونگی تطابق مسلمانان باسکولاریسم فرانسه و در آخر به مسئله الجزایری های مهاجر در این کشور پرداخته شده است.

«مسلمانان در آلمان » عنوان فصل دوازدهم این کتاب می باشد. این مقاله توسط یاسمین کاراکاسوگلو و جرد نونمن به رشته تحریر درآمده است. در این فصل به مقولات تغییرات جمعیتی و اجتماعی مهاجرین و حرکت آنها در جهت سکونت دائمی در آلمان، وضعیت اقتصادی مسلمانان و ترس آنها از تنفر آلمانیها، سیاستهای ترکیه در قبال آنها، موضوع تحصیلات دینی، سازمانهای اسلامی و چشم انداز آینده مسلمانان در این کشور که آیا بطرف گفتگو و یا تندروی و بنیادگرایی حرکت می کند، بحث شده است.

فصل سیزدهم تحت عنوان «وضعیت جوامع مسلمان در سوئد» نوشته آک سندر به بررسی وضعیت مسلمانان در کشور سوئد می پردازد. در این مقاله به فرهنگ و سیستم قانونگذاری سوئد از لحاظ تاریخی و مفروضات و دیدگاههای مردمان آن می پردازد. وضعیت مسلمانان به دو بخش تقسیم گردیده است: دوره قبل از دهه 1980 و دوره بعد از دهه 1980 که مهاجرت مسلمانان از این دهه به این کشور افزایش یافت و از این طریق مجادله و خصومت میان مسلمانان و سوئدیها افزایش می یابد. در انتهای مقاله تفسیری از آینده وضعیت مسلمانان در این کشور ارائه شده است.

جان هجارنو در مقاله خود تحت عنوان «مسلمانان در دانمارک » فصل چهاردهم این کتاب را به خود اختصاص می دهد. در این مقاله به مقوله عامل مهاجرت مسلمانان به دانمارک پرداخته و در این راستا وضعیت مسلمانان در دهه 1970 و از آن به بعد در زمینه وضعیت اقتصادی و بیکاری و آینده مبهم روابط مسلمانان با مسیحیان در این کشور مورد بحث واقع شده است.

«جامعه مسلمان در اسپانیا» نوشته نوریا دل اولموویسن عنوان مقاله ای است که در فصل پانزدهم این کتاب آورده شده است. در این مقاله به چگونگی ورود اسلام به اسپانیا، چه مسلمانان و مهاجرین اولیه و چه کسانی که در دهه 1980 به دلایل اقتصادی به این کشور مهاجرت کردند، برخوردهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی که از حضور جوامع مسلمان در جامعه اسپانیا بوجود آمده است و بررسی وضعیت آینده مسلمانان در این کشور پرداخته شده است.

وضعیت مسلمانان ایتالیا در فصل آخر کتاب، در مقاله ای تحت عنوان «جامعه مسلمان در ایتالیا» نوشته استفانو آلیوی به بحث گذاشته شده است. نوع شناسی اسلام در جامعه ایتالیا از لحاظ اطلاعات آماری، مساجد، فرق صوفی و جنبشهای دینی، بازیگران اجتماعی و نتایج حاصله; روابط نهادینه مسلمانان با جامعه ایتالیا و بین الملل از جمله مباحث این مقاله را تشکیل می دهد.